

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: کری فرش آور
برگردان و نگارش از: آناهیتا اردوان و پریسا براتی
۲۹ جولای ۲۰۲۰

سرمایه داری، کارگران کشتارگاهها و کووید – ۱۹

در این نوشتار می خوانید:

۱. کشتارگاه کارگران

نویسنده: آناهیتا اردوان و پریسا براتی

• سرمایه داری نژادپرست و کووید- ۱۹

برگردان و نگارش از: آناهیتا اردوان و پریسا براتی
کشتارگاه کارگران

برابری و رهانی فریبی بیش نیست،

اگر علیه رهانی کار از ستم سرمایه باشد. لنین

نویسنده: آناهیتا اردوان و پریسا براتی

کارگران و زحمتکشان و اعضای خانواده هایشان در ببحوحه جهشهای ویروس کووید – ۱۹ و موجهای پیاپی بیماری کرونا، بیشترین مبتلایان و قربانیان را در جهان تشکیل می دهند. استثمار شدیدتر نیروی کار مولد در پاندمی کووید- ۱۹، به رغم محرومیت دائمی از حداقل امکانات ایمنی- بهداشتی- آموزشی، بر طبق منطق سخت ایستای انباشت هر چه بیشتر سرمایه، تشدید شده است. کارگران هنگامی که شعار «در خانه بمانید» از سوی نمایندگان، تئوریسینها، سازمان بهداشت جهانی و وزارت درمان، بهداشت و آموزشهای پزشکی دهکده جهانی، طوطی وار و مکانیکی اعلام، تبلیغ و ترویج می شود، چیزی به غیر از فروش نیروی کارشان به کارفرمایان برای تداوم زندگی ندارند، آنان نمی توانند صبر کنند تا واکسین کرونا درست شود، همانطور که نمی توانند در فشارهای کمرشکن اقتصادی یا تا زمان افزایش ناچیز دستمزدها، از بازار کار چشم پوشی کنند، اندوخته ای نظیر سرمایه داران ندارند، چیزی برای فروش ندارند، الا، نیروی کار خود! پس، به عنوان محصول مالکیت خصوصی و وجهی از آنتی تز کار و سرمایه در هر شرایطی مجبور به تولید ثروت و فلاکت افزونتر خویشند؛ نیروی کارشان بیرحمانه استثمار می شود که صاحبان سرمایه در خانه بمانند و کوچکترین تلنگری به سرشت تغییرناپذیر روابط سرمایه داری و تداوم بازتولید آن- حتی در شرایط همه گیری بیماری کرونا- نخورد. بنابراین، باور به هر گونه تخفیف در میزان استثمار نیروی کار مولد، تمهیدات، تدبیر و

توجهی به وضعیت بهداشتی- ایمنی کارگران در شرایط پاندمی کرونا، به خصوص در عرصه های تولیدی سودآور، بر طبق تبعیت شرایط کار از سرمایه، در سیستم ضد کار و کارگر، بی پایه و اساس خواهد بود. چرخه ماشینهایی حوزه های تولیدی مذکور باید در پاسداری بی چون و چرا از تولید و بازتولید سرمایه در زمان شیوع بیماری، تندتر بچرخند و نیروی مولد با کاهش بیشتر هزینه تولید، در ازای دریافت دستمزد مادون فزیولوژیک- [زیر خط فلاکت در ایران]، افزونتر استثمار شود.

هرآینه، جبران کاهش تعداد کارگران از طریق تشدید استثمار، ممکن است. منتها، دارای حدود معین و غیرقابل عبوری است. بدین لحاظ، افزایش استثمار می تواند کاهش نرخ سود را مهار کند. ولی، قادر نیست به کلی از آن جلوگیری کند. در هنگام نگارش این مطلب، بیش از ۴ هزار کارگر کشتارگاهها در ۳۷ مکان اروپای [پیشرفته، صنعتی و متمدن] به بیماری کرونا مبتلا شده اند؛ در آلمان بیش از ۱۵۰۰ کارگر یک کشتارگاه درگیر و ویروس کرونا شده اند و تعداد مبتلایان در کارخانه های هالند، فرانسه، اسپانیا، انگلیس، ایرلند و .. سر به فلک کشیده است، کشتارگاههای امریکا به مثابه بستری آماده، برای شیوع کووید- ۱۹ شناسائی شده است و حداقل ۲۳ هزار و ۸۲۳ کارگر کشتارگاه در این کشور بیمار و ۱۱۶ نفر جان باخته اند.

شان توماس، از بنیاد حمایت از محیط زیست در ایالات متحده، به نقل از وان ارث در می گوید: « شرایط این کشتارگاهها اضطراب زاست. در کشتارگاههای معمولی ایالات متحده ممکن است شاهد کار هم زمان هزار نفر باشید. باید خیلی سریع کار کنید. آنها به کارگران میگویند از آنها انتظار دارند دقیقه‌ای ۳۳ مرغ را آویزان کنند. هیچ جایی برای حرکت کردن نیست. چرا که همه کنار یک دیگر مشغولند و به سریعترین حالت ممکن کار خود را انجام می‌دهند. کشتارگاهها، هر شب افراد جدیدی را سر کار می‌آورند. هیچ زمان استراحتی وجود ندارد، یک لحظه هم نمی‌توانند به دستپايشان استراحت داده یا قدمی بزنند. حتی اگر نیاز باشد نمی‌توانند به دست شویی بروند. شدت و سرعت این شغل به نحوی ست که بسیاری از افراد حتی نمی‌توانند آن را تصور کنند.»

کارگران کشتارگاهها و مجتمع تولید گوشت دام و طیور و فراوردههای گوشتی در ایران نیز به گزارش مروج و کنشگر سیاسی، پرکار و ساعی در حوزه مبارزات کارگری- دانشجویی که ماهها به عنوان کارگر مخفی در دو کشتارگاه ایران- کار کرده است، به دلیل کار در فاصله بسیار نزدیک به یک دیگر، در دمای بسیار پائین، در غرقابی از خون با چکمه های لاستیکی و پیش بندهای بلند، انواع و اقسام چاقوهای سلاخی، صفحه های فلزی سینی، قلابهای آویزان از نقاله گیرها، دام و طیور، سقوط لاشه ها روی وان زیر قلابها، آویزان کردن لاشه ها، نظارت و تنظیم قلابهایی که لاشه ها را سریعاً به سمت بخشهای جدا شدن سر، دست و پا و پوست کنی و ... هدایت می کند، جسم و روانشان سلاخی می شود و در معرض ابتلاء و انتقال سریع و ویروس کرونا- قرار دارند. پیش از پاندمی کرونا، کارگران کشتارگاهها و مجتمع گوشت در فقدان حداقل الزامات بهداشتی- پزشکی- ایمنی و کنترلهای مهندسی- مدیریتی تحت فشار سرعت و سنگینی کار ناشی از روی پا ایستادن طولانی مدت، کشیدن یا هل دادن راکها، حمل کردن، نگه داشتن اشیاء، فعالیتهای تکراری در فرکانس بالا، پوسچرهای نامناسب در هنگام کار، زمان ناکافی برای استراحت، خوردن و آشامیدن، دستشویی رفتن، و ساعت کاری شب تا بامداد، و ... به بیماریهای گوناگون از جمله کمردرد و بیخوابی مزمن، سندرم تونل کارپال، اختلالات اسکلتی و عضلانی و اسکولیوز مبتلا می شدند. دولت نئولیبرال، صاحبان کشتارگاهها و مجتمع گوشت، وزارت بهداشت جمهوری اسلامی و دیگر نهادهای مربوطه، چه مراکز تولیدی گوشت دام و طیور، سهامی عام باشند یا خاص، دولتی باشند یا به اسم خصوصی سازی از آن خودیها شده باشند، از راهکارهای کنترولی- آموزشی ساده، کاربردی و مؤثر در جهت کاهش مواجهه کارگران با ریسک

فاکتورهای ایجاد کننده بیماریها، صرفنظر می کنند. کارگران کشتارگاهها و مجتمع گوشت در هر واحدی [خط ذبح و پر کنی، سبد اندازی، چنگه زدن، آویزان کردن دام و طیور، تخلیه شکم، بسته بندی، پخت ضایعات، یخ سازی- سردخانه ها، تعمیرات و نگهداری، ...] مشغول به کار باشند، در مدت کوتاهی دچار ازکارافتادگی می شوند. مدت زیادی از ابتلاء کارگران کشتارگاههای دام و طیور، از جمله کشتارگاههای استان سیستان و بلوچستان، به تب کریمه کنگو، آنفولانزای مرغی و بیش از صد بیماری مشترک بین انسان و دام و طیور نگذشته، که کرونا به سراغشان آمده است. گفتنی ست که طرح ساماندهی [تبدیل کشتارگاههای سنتی به صنعتی] از سال شصت و هشت در دستور کار سازمان دامپزشکی جمهوری اسلامی بوده است. اما، تا کنون اجرائی نشده است و بیشتر کشتارگاهها، کماکان سنتی هستند. اجرای طرح ساماندهی کشتارگاهها با سودآور بودن راه اندازی کشتارگاههای غیرمجاز در روستاها و حوالی شهرهای بزرگ و از آن خود سازیهای کشتارگاهها مجاز [خصوصی سازی]، از سکه افتاده و کاملاً اعتبار خود را از دست داده است. اکنون، محل کار کارگران به بستر انتقال سریع بیماری کرونا، بیماری و جان باختن شان مبدل گشته است.

هنگامی که، رسانه های جهانی از کشتارگاهها و کارخانه های گوشت، در امریکا و کشورهای دیگر به مثابه کانون انتقال بیماری کرونا یاد می کنند، سکوت تلخ و ریاکارانه ای بر وضعیت کارگران کشتارگاهها و مراکز تولید گوشت در ایران و میزان مرگ و میر کارگران، استثمار نیروی کار مولد و وضعیت بخرنج و خطرناک، مستولی ست. بنگاههای خبرسازی، سانسور و مهندسی افکار عمومی جمهوری اسلامی، خطر ابتلاء کارگران به بیماری کرونا را در تمامی عرصه های تولیدی به حاشیه می کشانند یا منکر می شوند.

بتازگی، خبر ابتلاء خواهر کارگر کشتارگاه مرغ گچساران به بیماری کرونا را شایعه اعلام کردند. کشتارگاه پس از توزیع و فروش مرغهای آلوده و در پی خودستائی مدیر دامپزشکی که کیلویه و بویراحد در رسانه ها و سفارش شست و شوی مرغها در خانه به شهروندان، به طور موقت، تعطیل شد. معلوم نیست چند کارگر کشتارگاه مزبور به کرونا مبتلا شده اند و با عدم برخورداری از بیمه دولتی، در چه وضعیت بخرنجی قرار دارند؟ چه میزانی از مرگ و میرها بر اثر کرونا در ایران به خانوارهای کارگری، مربوط می شود؟ تا کنون چند کارگر کشتارگاه به دلیل بیماری کرونا جان سپرده اند؟ پاسخ به این پرسشها نشان می دهد «ما همگی در پاندمی کرونا با هم هستیم» چقدر صحت دارد؟

دستمزد کارگران کشتارگاهها و مجتمع گوشت با آنچه هر ساله به عنوان حقوق پایه کارگران اعلام می شود، فاصله دارد و معمولاً در بهترین حالت قرارداد با کارفرما، از طریق پیمانکار بر اساس کار موظفی حساب می شود. بیشتر کارگران روزمزدند و کارگران روزمزد نیروهای رو به تزایدی هستند که صرفاً به میزان روزانه که کار می کنند، مزد دریافت می کنند. کارگران روزمزد تنها به کارگران ساختمانی، مسافرخانه ها، رستورانها، میدین میوه و تره بار خلاصه نمی شوند و به عنوان نیروی مولد در عرصه های تولیدی- خدماتی گوناگونی، پراکنده اند. هیچ آمار دقیقی از کارگران روزمزد و همچنین، فصلی وجود ندارد، از کلیه حمایتهای جانی قانون کار اعم از بیمه، سنوات، عیدی، پاداش، بن خواربار، حق مسکن، گروه، رتبه، اضافه کاری، حقوق ثابت و مواردی از این دست محرومند. به طور مثال، دستمزد یک کارگر کشتارگاه در صورتی که توان ذبح ۱۰۰۰ گوسفند در روز را داشته باشد، تقریباً ماهی یک میلیون و دویست تا یک میلیون و چهارصد هزار تومان است، سی هزار تومان برای هر گوسفند اضافه و هشتصد تومان برای پاک کردن هر گوسفند دریافت می کند. یک حساب سرانگشتی نشان می دهد که اگر کارگر کشتارگاه دارای همسر و دو فرزند [چهار نفره]، حتی توان غیرممکن؛ ذبح روزانه دو هزار گوسفند، را داشته باشد و بتواند دستمزد ماهانه خود را به اندکی بیش از دو میلیون تومان در ماه برساند قادر به پرداخت هزینه خورد و خوراک، حتی بر اساس

قیمت مصوب میادین میوه و تره بار نیست، دیگر چه برسد به پرداخت ودیعه، اجاره خانه، هزینه آب و برق، گاز، تلفون و حمل و نقل، بیمه و .. که مخارج بسیار حیاتی و ابتدائی اند. مقایسه یک میلیون و دویست هزار تومان، با نرخ اعلام شده سبد معیشت ماهانه خانوار توسط کمیته مزد شورای عالی کار رژیم در بهمن [دلو] ۱۳۹۸، برابر با چهار میلیون و نهصد هزار تومان، اوج فاجعه زندگی کارگران کشتارگاهها را در سال جاری با وجود پاندمی کرونا و صعود هزینه زندگی، به اثبات می رساند. البته، درصدی از دستمزد خود را باید به پیمانکار بپردازند که درصدی متغیر و به سطح سود کارفرما و رابطه قیمت بازار با قیمت هزینه، بستگی دارد. قدرت خرید کارگران کشتارگاه با توجه به خط فقر و نرخ تورم که پیرو هزاران ترفند و اعداد و ارقام زرادخانه آمارسازی جمهوری اسلامی، نیست و با افزایش سرسام آور اقلام اساسی و حیاتی در سال جاری، تنزل ارزش ریال و افزایش و نوسانات شدید قیمت ارز و ..، با هزینه زندگی، فاصله نجومی دارد. اگر خط فقر را نه میلیون تومان که اخیراً اعلام شد، [البته این رقم در تهران و سایر شهرهای بزرگ، توجه به افزایش سطح عمومی کالاهای اساسی - حیاتی، در محاسبه های میدانی پانزده میلیون تومان نیز تخمین زده شده است]، در نظر بگیریم حتی بر طبق نرخ تورم و میزان خط فقر همواره جعلی رژیم، نیز قادر به تأمین واحد لازم و ضروری انرژی و کالری برای ذبح هزار گوسفند در روز، نیستند. البته، اگر همین دستمزدهای نازل را پرداخت شوند! امنیت شغلی ندارند و ماهها دستمزدشان پرداخت نمی شود نظیر کارگران کشتارگاه ایلام که در سال ۱۳۹۸، شانزده ماه دستمزدی دریافت نکرده بودند. سال جاری، از کارگران کشتارگاه مرغ «گلند» مؤرخ پنجشنبه/ ۲۳ آبان [عقرب] / ۹۸ در این باره می گوید: [نزدیک چهار ماه است که حقوق دریافت نکردیم. پرداخت اقساط ما با مشکل مواجه شده، اجاره خانه هایمان عقب افتاده است. کارگر دیگری از کشتارگاه مرغ گلند با گله از عدم دریافت حقوق ماهیانه، به زنان کارگر کشتارگاه اشاره می کند که به مدت چهار ماه است هیچ گونه دستمزدی دریافت نکرده اند. خبرگزاری ایسنا/ ۸ اردیبهشت [ثور] ۱۳۹۹. گزارش اضافه می کند که کارگران روزمزد قربانیان اصلی بیماری کرونا بوده و هستند.]

بحران ساختاری اقتصادی به موازات تداوم رکود تورمی، تمامی راههای برون شد، از بحران را از حیث واقعی و عملی، غیرممکن ساخته است. در این میان، کارفرمایان از دیرباز به تعدیل شدید نیروی کار روی آورده اند. کشتارگاه مرغ صنعتی شهر گلند استان گلستان در سالهای ۱۳۹۳ الی ۱۳۹۴ با تعداد ۶۵۰ نیروی انسانی فعالیت می کرد. اکنون، درصد نیروی کار کشتارگاه مزبور هفتاد درصد، کاهش یافته است. در عوض، سرعت و حجم کار را افزایش میدهند. قدر مسلم، سرمایه داران با افزایش بی سابقه هزینه تولید حاضر به صرف پول به منظور جلوگیری از ابتلاء کارگران به بیماری کرونا نیستند. مضاف بر این، کشتارگاههای سنتی و غیرمجاز، کانون تولید و بازتولید انواع و اقسام پاتوژن هستند و بدن زیر کار خرد شده کارگران نخستین میزبان پاتوژنهاست.

«زندگی نیست که ما داریم. صدای ماها رو هیچ وقت هیچ کسی نمی شنود. تلاش می کنیم فقط زنده بمونیم. کارگرها اینجا قراردادی، بر حسب ساعت موظفی دستمزد میگیرند، سفید امضاء یا اصلاً قراردادی ندارند، بیشتر دستمزدمان را باید بدهیم به پیمانکار، سلاخی میکنیم، ۴ صبح میائیم سر گوسفند، دل و روده گوسفند سوا کنیم، توان خریدن گوشت گوسفند کیلویی صد و بیست هزار تومان و گوساله کیلویی نود هزار تومانی و مرغ گرم کیلویی بیست هزار تومانی و یخ زده پانزده هزار تومانی، برای زن و بچه هایمان نداریم. هزینه ثبت نام مدارس از شانزده میلیون تا سی میلیون تومان است که شامل مخارج در طول مدت تحصیل نمیشود. بچه هایمان به روزگار خودمان دچار میشوند. از کجا شانزده تا سی میلیون تومان پول بیاوریم؟ سفره ما از نان خالی شده دیگر چه برسد به گوشت مرغ و گوسفندی خودمان تولید میکنیم..»

رکود تورمی؛ کاهش نرخ رشد اقتصادی و افزایش نرخ تورم، سقوط ارزش ریال و افزایش قیمت ارز و ورشکستگی و تعطیلی واحدهای تولیدی افزونتر، ناشی از سیاست دولت نئولیبرال به سود واردات، تشدید بیکاری و ژرفایش رکود تورمی حکایت از بحران عمیق ساختاری اقتصادی-اجتماعی، دارد. انسدادی که حیات کارگران و زحمتکشان بویژه کارگران فصلی، روزمزد، قراردادی، پیمانی، بومی از جمله کارگران کشتارگاهها را در پاندمی ویروس کرونا یا هر ویروس دیگری، دم افزون به ورطه تباهی میکشد. بن بست رکود تورمی و دام افزایش نقدینگی، افزایش دستمزدها مطابق با نرخ تورم واقعی و حتی جعلی رژیم، به رغم رویابافی بورژوازی آراسته به الفاظ و ادبیات چپی، را ناکارآمد و عملاً بیفایده کرده است. فاجعه بارتر، گرایشات محافظه کارند که در فاصله زیادی از مبارزات خودجوش کارگری، دست افشان و پایکوبان بیرق خود را به شعار

« دستمزد عادلانه حق مسلم ماست» مزین کرده اند. در حقیقت، این جماعت میگویند سرمایه داری میتواند عادلانه شود، به عمد تزویر میکنند یا نمی دانند که دستمزد با اضافه ارزش در هم تنیده است. اگر ارزش اضافی کمتر یا برابر دستمزد کارگر شود، آنگاه دیگر «سودی» در میان نیست. بنابراین، در هیچ نظام سرمایه داری خیالبافی فریکارانه محافظه کاران پس رو، ممکن نیست. در صورتیکه دستمزد نیروی مولد به اندازه ای بالا برود که برابر یا بیشتر از ارزش اضافی شود [به زعم محافظه کاران عادلانه شود]، ارزش اضافی به صفر میرسد و سودی در کار نخواهد بود. سرمایه داری با استفاده از همین گرایشات محافظه کار با القاب دهان پرکن، عوام فریبانه و توخالی، از رشد و اعتلای مبارزات صنفی کارگران تا کسب قدرت سیاسی و اجتماعی شدن سود، جلوگیری میکند. محافظه کارانی که در ظاهر برای مبارزات کارگران سینه چاک میدهند و دنبال مزد عادلانه در سیستم سرمایه داری هستند، نه تنها احتمال انسانی شدن نظام سرمایه داری در ایران و جهان را به مبارزات کارگری تزییق میکنند. بلکه، دنبال آشتی طبقاتی اند و به عوض دامن زدن بیشتر به تضادها و استفاده انقلابی از بحرانهایی مانند کرونا که انقلابیون به گفته لنین باید فرصت ایجاد کنند یا حداقل بلد باشند از فرصت استفاده کنند، صلح موعظه میکنند. اینان، معتقدند، صاحبان سرمایه در ایران، خامنه ای، دولت نئولیبرال و سپاه پاسداران، و دستگاه عریض و طویل ضد کارگری تحت نام شورای عالی کار و کارفرمایان و..، قادرند دستمزد کارگران را به گونه ای [عادلانه] افزایش دهند که ارزش اضافی به صفر برسد و اساساً شکل نگیرد. حال آنکه، استخراج و ارتزاق ارزش اضافی از فرایند تولید، پیش شرط اسارت کارگران در کار مزدبگیری نظام سرمایه داری است و هرگز نمیتواند تا حدی افزایش یابد که خود را منتفی سازد، مگر با خلع سلاح بورژوازی، دیکتاتوری پرولتاریا و سیادت طبقه کارگر. نکته راقمان این سطور، مخالفت با چانه زنی کارگران متشکل با دولت بر سر دستمزد که البته چانه زنی بر سر هیچ است و یا افزایش دستمزد فیزیولوژیک نیست که در بن بست رکود تورمی بی فایده است. کنه مطلب در این موضوع نشسته است که طرفداری از مبارزات صنفی کارگران به معنای اکتفاء به راه حلهای اکونومیستی و تردیونیستی و .. اعراض از تنها راه حل پایدار و مترقی برای برون شد از وضعیت موجود، انقلاب و گذار به سوسیالیسم، پی ریزی سیستمی که قادر باشد اقتصاد را تحت کنترل خود درآورد، جامعه را بر مبنای الگوی نوینی بسازد، اقتصاد پایدار و رابطه بین دو متغیر رکود و تورم را به تعادل برساند، نیست. هر اندازه از هم گسیختگی اقتصادی شدت میگیرد، نیاز کارگران به دخالت وسیعتر در اداره تولید و امور کارخانه فزونی می یابد. موضوعی از دیالکتیک درونی مبارزه طبقاتی سرچشمه می گیرد. کارگری که نمیخواهد به موقعیت پست خود تن دهد، برای صیانت از هستی بلاواسطه خود و حفظ کارش، راه حلی جز دخالت فعال تر در اداره تولید ندارد. بلحاظ تاریخی، کارگران سرمایه را از مرکز تولید کارخانه زیر ضرب میگیرند. کمیته های اعتصاب ستون اصلی شوراهای کارگری اند. اهمیت سیاسی و اقتصادی ویژه ای دارند. اما، کافی نیستند. جنبش کنترل تولید

نمی‌تواند جدا از چشم انداز برای آینده باشد. در اینصورت، راه به جایی نخواهد برد. البته، تجربه و آگاهی مشترک طبقه کارگر، محتاج اندامهای دیگر برای عبور از آگاهی چارچوب کار سندیکائی - صنفی است. پیشرو انقلابی متشکل و عامل سوژکتیو انقلابی و هر چه قدرتمندتر شدن آن- از همین رو ضرورت پیدا میکند که در عمل و نه حرفها و شعارهای بیرونی، علفهای هرز تحت نام همراهی با کارگران را افشاء سازد که اینگونه وانمود نسازند؛ گویا میتوان با رویگردانی از دیکتاتوری پرولتاریا، قهر انقلابی، دموکراسی پرولتری و ... با آنتی تز کار و سرمایه شاهانه کنار آمد و حق مسلم «مزد عادلانه» را از سرمایه داری گرفت! مبارزه طبقاتی را از قهر و آنتاگونیسم خود خالی سازند و خلع سلاح بورژوازی و امحاء کار مزدی را به تعویق بیناندازند. طبقه کارگر ایران را مکرراً ضمیمه و زائیده خواستهای بورژوازی سازند و بردگی مزدی را عادلانه [نهاده] سازند! هیچ فحوائی بهتر از این جمله رفیق لنین، تئوریسین و رهبر انقلابی نیست؛ «برابری و رهائی فریبی بیش نیست، اگر علیه رهائی کار از ستم سرمایه باشد. در نهایت، آنچه در دستور کار است این نیست که [چگونه مزد بهتری برای بردگان مزدی مهیا سازیم. مارکس] بلکه، انحلال کار مزدی و تغییر بنیادین نظم مستقر بر جامعه است.

کاهش دستمزدها و تنزل امکانات، در حوزه های بحران زده و مکانهایی که نیروی کار ارزان قیمت در دسترس باشد، ساده تر و بهتر اعمال میشود. کشتارگاهها و مجتمع گوشت نیز در روستاها و دور از شهر واقع شده اند. بدیهی و آشکار است که دلیل این موضوع کنترل الودگی شهرها و محافظت از محیط زیست نیست. زیرا، نیروی کار، زمین، در جمهوری اسلامی با رویکردی ایدئولوژیک و مذهبی به محیط زیست و شیوه تولید سرمایه داری، در آن واحد استثمار و تخریب میشوند. بنابراین، حداقل ملاحظات اکولوژیستی در مناسبات تولید، توزیع و مصرف سرمایه داری، نمی گنجد. بلکه، بحران اکولوژیستی را گسترده تر و ژرفتر میسازد که بیگانگی انسان از زمین و دنیای سبز و نیلگون پیرامونی در بیگانگی انسان از کار، ریشه دارد. بنابراین، هدف از برپائی کشتارگاهها، به ویژه غیرمجاز در روستاها و حاشیه شهرها بهره کشی شدید از نیروی کار بی چیزترینهای دور افتاده؛ روستائیان، جوانان بومی متقاضی کار، مهاجران به ویژه از کشور افغانستان، زنان، کودکان و مردان بدون مدرک شناسائی و فاقد مجوز کار تحت لوای پروژههای مزورانه طرح سپاه برای خودکفائی در تولید گوشت، پروازبندی دامی، کارآفرینی برای روستائینان، صورت میگردد. سال نود و هفت، سپاه پاسداران بیش از دو هزار و صد واحد پرورش دام سبک و سنگین و کشتارگاه، تنها در روستاها و حوالی شهر زاهدان واقع در استان محروم سیستان- بلوچستان، به بهانه اشتغال زائی روستائیان با بهره برداری از شرایط اقلیمی [بخوانید تخریب محیط زیست]، راه اندازی کرده است.

کارگران روزمزد، پتانسیل بالقوه ای هستند که در صورت سازمانیابی در اشکال گوناگون از کف کشتارگاهها و کارخانه ها، به یاری و مدد پیشناز متشکل طبقه کارگر و استفاده بهینه، انقلابی و هشیارانه از پاندمی کرونا، سهم و تاثیر بسیار موثری در پیشبرد و اعتلاء مبارزه طبقاتی، مقابله طبقاتی یکپارچه و متحد، خرد کردن اغواگری و چارچوبهای مبارزاتی بورژوازی و خرده بورژوازی و پرهیز از هر گونه تجدید طلبی، دارند.

این نیروی مولد و تعیین کننده، با افزایش نجومی ودیعه، مبلغ کرایه خانه ها و مسکن [افزایش ۳۵ درصدی نرخ اجاره بهای مسکن در تیر ماه امسال در مقایسه با تیر ماه سال گذشته] به موازات روند رو به رشد گرانی و افزایش قیمت مایحتاج اساسی و ابتدائی خانوارهای کارگری، تنزل قدرت خرید بیشتر و دستمزدهای پرداخت نشده، در حوالی کشتارگاهها، زندگی کانکسی-کانتینری دارند یا در چادرها روزگار به دشواری سپری میکنند. یک نمونه از بی شمارها، حکایت زندگی یک کارگر بدون قرارداد کشتارگاه مرغ پاکدشت ورامین است که با دستمزد یک میلیون و چهارصد هزار تومانی که بیشتر اوقات با تاخیر پرداخت میشود و از آنجائیکه قراردادی هم ندارد، از ده شب تا ده صبح کار

میکنند و ممکن است که دستمزدش به هیچ وجه پرداخت نشود، همراه با چهار عضو خانواده اش به دلیل عدم توان پرداخت پانصد هزار تومان ودیعه و پانصد هزار تومان اجاره خانه یک اتاق گنبدی در کوچه های تنگ و باریک پاکدشت به چادرنشینی پناه آورده است.

سرمایه داری همواره با تمایز قائل شدن بین کارگران بر اساس ملیت، نژاد، جنسیت، قانونی، غیرقانونی، و... با تصویب قوانین ضد مهاجرتی حجم قراردادهای سفید امضاء، روزمزد و فصلی را افزایش میدهد و عملاً شرایطی بوجود می آورد که پناه جویان بخصوص بدون مجوز کار و اقامت، نیرویشان را به هر قیمتی و در هر شرایط کاری به حراج بگذارند. بدین ترتیب، باعث شقاق در طبقه کارگر شده، کارگران را به رقابت واداشته و علیه یکدیگر می شوراند و بازار نیروی کار را برای ارتزاق سرمایه دار از ارزش اضافی افزونتر، مساعدتر میسازد.

بورژوازی سوداگر مالی – انحصاری سعی میکند از تحریم، رکود تورمی، افزایش قیمت ارز و حتی پاندمی کرونا، بهره برداری ضد انقلابی کند. مافیای مخوف ایدئولوژیک، سیاسی، نظامی، امنیتی، برادران دلال- قاجاچی و رانت خوار، الیگارش مالی- امنیتی- نظامی سپاه پاسداران به همراه تشکیلات تابع مسلح به شمشیر [النصر العرب، بکشد کافران را که جزایشان این است] که به موجب قانون اساسی جمهوری اسلامی در راستای پیشبرد سیاستهای نئولیبرالیستی خصوصی سازی [به انحصار خود درآوردن، تصاحب قانونی منابع عظیم تولید و ثروت بر حسب تلفیق تولیداری و اقطاع] بر صنایع نظامی، سازندگی و عمران، نفت و گاز، مخابرات، واردات، صادرات، موسسه های مالی- اعتباری، تسلط دارند، از دیرباز سیطره خود را بر مایحتاج روزانه نیز، گسترش داده است. سپاه پاسداران با برخورداری از شامه سوداگری، غارتگری و چپاولگری بیش از پیش وارد بازار پرسود نیازهای ضروری و روزمره پاندمی کرونا از جمله ماسک، مواد ضد عفونی- بهداشتی، موادخوراکی همچنین پروتئینی مانند گوشت دام و طیور، شده است. در این فرایند پیچیده و مافیائی، با استیلا کامل بر فرودگاهها، مرزها، قاجاق و بهره برداری مطلق از ارز دولتی و تسهیلات مالی در واردات گوشت ید طولائی دارد و از آنجائیکه سود سریع و آسان مطرح است برایش مهم نیست که گوشتها به کرونا آلوده باشند یا نباشند، از سوی دیگر، با انحصار عرصه های تولید گوشت دام و طیور به استثمار شدید کارگران، بویژه مهاجران از کشور افغانستان، روستائیان، زنان سرپرست خانوار، کودکان خانوارهای کارگری، قربانیان سیستم که دوران زندان را سپری کرده اند و پیشینه خوبی برای کارپایی، ندارند— [نیروی کار بسیار ارزان قیمت] در محیطی عاری از امکانات بهداشتی- پزشکی- آموزشی، مبادرت می ورزد. بدین ترتیب، عرصه واردات و بازار گوشت و مرغ داخلی صحنه مهیای ترکانازی فرمانده های سپاه و دیگر نمایندگان ریز و درشت طبقه حاکم شده است که با قدرت اقتصادی – سیاسی به سودهای کلان دست یابند و خانوارهای کارگری به ویژه کارگران کشتارگاهها را به خاک سیاه بنشانند.

بی قوارگی و جادرفتنگی سرمایه داری مالی – انحصاری در ایران به بهترین نحو ممکن، قد علم کرده است؛ تضادها را یکی پس از دیگری روی هم انباشت میکند و امکان ضرورت سوسیالیسم را بیشتر میسازد. بدین سبب، قدرتمندتر شدن بخش آگاه و متشکل طبقه کارگر در ارتباط با اعتراضات خودجوش کارگری و بهره برداری انقلابی از پاندمی کرونا با دورنمای سوسیالیستی، را به پیشخوان تاریخ هل میدهد. چراکه، پیام آوران بیداری در رابطه زمان حال و وظایف رادیکال کنونی با کلیت فرآیند تاریخی، جستجوگر و پوینده در رسوخ، هژمونی و تثبیت حقایق خود بر مبارزات خودجوش، ضد نفوذ فسادانگیز صورتهای اندیشه های بورژوائی، تعالی خواستهای اقتصادی کارگران را به بلندای تن زدن آگاهانه سیاسی- طبقاتی، میسر می سازند. در این چشم انداز، انقلاب و سوسیالیسم به رهبری پیشتاز مسلح به سیاست رادیکال طبقاتی در مسیر غلبه بر شکاف [طبقه در خود به طبقه برای خود]، تنها راه رهائی از

تناقضات ساختاری جمهوری اسلامی، است که به گفته پاسکال، برای این پیشروان متشکل در ایران، رستگاری نه در هدف که در مسیر رسیدن به هدف نهفته است.

مطلب پیش رو؛ « سرمایه داری نژادپرست و کوئید- ۱۹» را به منظور نمایاندن منافع مشترک طبقه کارگر در دوران سلطه سرمایه داری مالی بر دهکده جهانی، به فارسی ترجمه کردیم و در اختیار خوانندگان قرار می‌دهیم. در برخی موارد، به منظور درک بهتر، شفافیت به پانویسی مبادرت ورزیدیم و به منظور تاکید بیشتر روی برخی گزاره های نویسنده اصلی، توضیحاتی به متن اضافه کردیم که همه جا در داخل قلاب [] آمده است. این مطلب ترجمه و تلخیص متن اصلی به زبان انگلیسی میباشد. آرزومندیم منظور نویسنده تیزبین را رسانده باشیم و اگر اشتباهی وجود دارد، قصور ماست.

باری، کلام مانیفست کمونیسم « کمونیستها در پیکار پرولترهای ملل گوناگون، منافع مشترک تمام آنان را صرف نظر از ملیت شان طرح می کنند و به حمایت از آنها برمی خیزند.» بیش از هر دوران دیگری- بانگی رسا و معتبر است و همانطور که لنین، رهبر انقلاب اکتوبر، هشدارمان می دهد؛ « در نهایت امر انقلابی بودن، رفتار کردن همچون یک مبارز انترناسیونالیست است.»

۱۳۹۹/۰۵/۰۴